

حُبِّ الْحُسَيْنِ وَسِيَّةُ السُّعْدَاءِ

انتقام خون شهدا؛
از مطالبه تا تحقق

محمد كهوند

تهيه و تنظيم:

معاونت تبليغ و امور فرهنگي

حوزه‌هاي علميه



بسمه تعالی

مقدمه^۱

«ما از انتقام خون شهدای شما صرف نظر نخواهیم کرد.» این جمله که در اولین پیام مکتوب رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رحمته الله علیه در اسفند ۱۴۰۴ ش صادر شده، محکم‌ترین و پُرترکرارترین وعده‌ای است که در ۱۳ پیام مکتوب ایشان (از اسفند ۱۴۰۴ ش تا تیرماه ۱۴۰۵ ش) به چشم می‌خورد.

جنايات دشمن در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم؛ از شهادت رهبر عظیم‌الشان انقلاب رحمته الله علیه تا کودک‌کشی‌های میناب و لامرد، پرونده‌هایی گشوده است که بسته نخواهد شد، مگر با «نتیجه کامل»؛ عبارتی که در همان پیام نخست، به عنوان شرط

۱. عباراتی که در این نوشتار درون گیومه قرار دارند، عیناً از بیانات مکتوب رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه است.

تعطیلی پرونده انتقام ترسیم شده است؛ اما این «نتیجه کامل» در منظومه فکری رهبری حفظه الله، مفهومی تک بعدی نیست؛ بلکه ترکیبی از چند لایه و افق است که هر کدام حوزه و مسیر مشخصی دارند. در این نوشتار، با استناد به ۱۳ پیام مکتوب ایشان، این لایه ها و افق ها را به صورت تحلیلی و دسته بندی بررسی می کنیم:

۱. انتقام در ترازوی عدالت^۲

در پیام رهبر معظم انقلاب حفظه الله به مناسبت هفته قوه قضاییه (۷ تیر ۱۴۰۵)، ابعاد تازه ای از مقوله انتقام در عرصه حقوقی و قضایی ترسیم شده است. ایشان با اشاره به جنایات جنگی دشمن، تصریح فرمودند: «آنچه مسلم است، گریبان جنایتکاران را بایستی گرفت و آنان را به سزای

۲. حوزه حقوقی و قضایی.

اَعمال مجرمانه‌شان رساند.» بر این اساس،
نخستین و فوری‌ترین لایهٔ انتقام، مسیر حقوقی و
قضایی است. رهبری حَفْظَةُ در این پیام سه مؤلفهٔ
کلیدی را برای این لایه مشخص کرده‌اند:

الف. تشکیل پرونده‌های حقوقی دقیق و مستقل برای
هر شهید: از خون شهدای جنگ تحمیلی دوم و
سوم، تا کودک‌کشی‌های میناب و لامرد و شهادت
رهبر شهید رَحْمَةُ، هر کدام «پرونده‌ای از صدها و بلکه
هزاران پروندهٔ حقوقی مهم» را تشکیل می‌دهد که در
محاکم قضایی داخلی و بین‌المللی باید با جدّیت
دنبال شوند؛ اما نکتهٔ بنیادین آن است که این
پرونده‌ها صرفاً به جنایت‌های کلی تقسیم
نمی‌شوند؛ بلکه رهبر معظم انقلاب حَفْظَةُ در اولین
پیام خود، بر استقلال پروندهٔ هر شهید تأکید کرده،
می‌فرماید: «ما از انتقام خون شهدای شما
صرف نظر نخواهیم کرد؛ انتقامی که در نظر داریم،

فقط مربوط به شهادت رهبر عظیم‌الشان انقلاب رحمته الله نیست؛ بلکه هر عضوی از ملت که توسط دشمن شهید می‌شود، خود موضوع مستقلی برای پرونده انتقام است».^۳

این رویکرد، علاوه بر ایجاد تکثر پرونده‌های حقوقی، این پیام فرهنگی عمیق را دارد که هیچ شهیدی در میان انبوه شهدا گم نمی‌شود و پرونده هریک تا رسیدن به حَقّش باز خواهد ماند.

ب. استفاده از اقرار دشمن به عنوان سند: ایشان تأکید کردند که «اعترافات و حتّی افتخار و قیحانه بعضی از سران دشمن آمریکایی، صهیونی به این جنایت‌ها... قطعاً اقرار به جنایت محسوب گشته و مقدمات احقاق حقوق تضییع شده ملت را به شکل مناسبی فراهم ساخته است.» این خود نقطه

۳. اولین پیام مقام معظم رهبری حفظه الله، اسفند ۱۴۰۴ ش.

قوّت حقوقی بی نظیری در پیگیری بین المللی
محسوب می شود.

ج. پیگیری مستمر تا وصول به حکم و اجرا:
رهبری حَفَظَهُ اللهُ با یادآوری دستور رهبر شهید رَحِمَهُ اللهُ در
تیرماه سال گذشته، بر «تسری دادن آن به جنگ
تحمیلی سوم و پیگیری مستمر آن تا وصول به
حکم و واگذاری اجرای آن به عناصر صالحه»
تأکید کرده اند. انتقام در این لایه، یک پروژه قضایی
بلندمدّت است که به نتیجه نهایی و اجرای حکم
منتهی خواهد شد و خود «از تکرار این قبیل
جنايات پیشگیری خواهد نمود».

۲. انتقام در خزانه دشمن^۴

در اولین پیام رهبری حَفَظَهُ اللهُ (اسفند ۱۴۰۴ ش)، لایه دوم
انتقام با صراحت کامل ترسیم شده است: «حتماً

۴. حوزه اقتصادی و مالی.

غرامت تک تک صدمات وارد شده و خون بهای شهیدان و دیه جانبازان این جنگ را طلب خواهیم کرد.» انتقام در این لایه، جنبه مالی و اقتصادی دارد. شهدا و جانبازان، علاوه بر خون و جان، حقوق مالی برگردن دشمن دارند که باید پرداخت شود؛ اما نکته مهم، نحوه وصول این حقوق است که رهبری حفظه الله در ادامه می فرمایند: «اگر امتناع کند، به اندازه ای که تشخیص بدهیم، از اموالش برخوایم داشت و اگر آن هم مقدور نباشد، به همان اندازه از اموالش را نابود خواهیم کرد».

این یعنی انتقام در لایه اقتصادی، دو مسیر دارد: وصول غرامت در صورت همکاری دشمن یا توقیف و نابودی اموال در صورت امتناع. در هر دو صورت، هزینه های جنایت بر دوش دشمن خواهد ماند و از خزانه او پرداخت خواهد شد. این لایه، مکمل و پشتیبان لایه حقوقی است؛ زیرا احکام قضایی

بدون ضمانت اجرایی اقتصادی، ناقص خواهند ماند.

۳. انتقام در عمق جان‌ها^۵

رهبر معظم انقلاب حفظه الله در پیام چهارم شهادت قائد شهید رحمته الله (فروردین ۱۴۰۵ ش)، از لایه‌ای سخن گفتند که شاید از دولایه قبلی عمیق‌تر و پایدارتر باشد: «ملت عزیز، اگرچه با پایان گرفتن مدّت عزای رسمی شهادت رهبر عظیم‌الشان خود، جامه عزرا را از تن بیرون می‌آورد؛ [اما] عزم قاطع بر انتقام خون پاک ایشان و همه شهدای جنگ تحمیلی دوم و سوم را در روح و قلب خود زنده نگه می‌دارد». انتقام، تنها یک وظیفه حقوقی یا اقتصادی برای دولت و قوه قضاییه نیست؛ بلکه یک تکلیف قلبی، عزم ملی و فرهنگ است که باید در جان

^۵. حوزه عزم ملی و فرهنگ ایثار.

مردم زنده بماند. این لایه، پیش شرط و پشتوانهٔ دو لایهٔ قبلی است؛ زیرا بدون حضور و حمایت مردم، هیچ پروندهٔ حقوقی و اقدام اقتصادی مربوطه‌ای به نتیجهٔ کامل نمی‌رسد.

حساسیت ویژهٔ رهبری حفظه الله نسبت به خون کودکان شهید نیز در همین لایه قابل تحلیل است. ایشان در اولین پیام خود (اسفند ۱۴۰۴ ش) تصریح فرمودند: «به خصوص نسبت به خون اطفال و کودکانمان حساسیت بیش‌تری خواهیم داشت.» این حساسیت، فراتر از یک دستور حقوقی، یک مطالبهٔ عاطفی و انسانی است که باید در فرهنگ عمومی، رسانه‌ها، تجمعات و مناسک ملی زنده نگهداشته شده، به عنوان یکی از محورهای اصلی جهاد تبیین مورد توجه مبلغان و فعالان فرهنگی قرار گیرد.

۴. افق انتقام: دو چشم انداز راهبردی

لایه‌های سه‌گانه فوق، همگی در مسیر تحقق دو افق راهبردی قرار دارند که رهبری حَفَظَهُ اللَّهُ در پیام‌های مرتبط با روز مَلّی خلیج فارس (اردیبهشت ۱۴۰۵ ش) و برگزاری حجّ ترسیم فرمودند. این دو افق، غایت انتقام محسوب می‌شوند و بدون تحقق آن‌ها، هیچ‌یک از لایه‌های سه‌گانه به نتیجه نهایی نخواهند رسید: افق نخست: خروج کامل آمریکا از منطقه است. مغّظم‌له در این پیام می‌فرمایند: «آینده درخشان منطقه خلیج فارس، آینده‌ای بدون آمریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملّت‌هایش خواهد بود».

و در ادامه می‌فرمایند: «ایران اسلامی با شکر عملی نعمت اِعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه خلیج فارس را ایمن خواهد کرد و بساط سوءاستفاده‌های دشمن متخاصم را از این آبراه برخواهد چید.»

خروج کامل نظامی و سیاسی آمریکا از غرب آسیا، یکی از ارکان تحقق کامل انتقام است؛ چراکه آمریکا به عنوان عامل و سرشاخه اصلی جنایات علیه ملت ایران، تا زمانی که در منطقه حضور داشته باشد، امکان تحقق کامل انتقام و امنیت منطقه وجود نخواهد داشت.

افق دوم، نابودی رژیم صهیونیستی است. رهبری حَفَظَهُ اللهُ در پیام حج (خرداد ۱۴۰۵ ش)، به نقل از رهبر شهید رَحِمَهُ اللهُ فرمودند: «رژیم متزلزل صهیونی... به مراحل پایانی عمر منحوس خود نزدیک شد و... ۲۵ سال بعد از آن تاریخ را نخواهد دید، ان شاء الله!» این وعده الهی و چشم انداز قطعی، افق نهایی انتقام را ترسیم می کند؛ نابودی کامل رژیم صهیونیستی، بزرگ ترین و نهایی ترین انتقام برای خون شهدای مقاومت و مظلومان فلسطین، لبنان و ایران خواهد بود.

۵. تفکیک قصاص از انتقام؛ دو روی یک سکه

پس از ترسیم لایه‌ها و افق‌های انتقام، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که: آیا قصاص قاتلان و آمران مستقیم جنایت‌ها (ترامپ و نتانیاهو) نیز بخشی از این مسیر است یا خیر؟ پاسخ براساس قرآن، سنت و بیانات رهبر شهید رحمته الله یک «بله» قاطع است؛ اما با تفکیکی دقیق.

الف. قصاص، حکمی الهی و ضامن حیات جامعه

قصاص با انتقام راهبردی تفاوت ماهوی دارد؛ اما نه به این معنا که قصاص امری احساسی یا بی ضابطه است؛ بلکه حکمی الهی، عادلانه و اجتماعی است که قرآن کریم آن را چنین تبیین می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۶ «و برای شما در قصاص، حیات و زندگی

۶. بقره/۱۷۹.

است، ای صاحبان خرد! باشد که تقوا پیشه کنید». قصاص با ایجاد بازدارندگی، از ریخته شدن خون‌های بی‌گناه دیگر جلوگیری کرده، ضامن حیات جامعه است. اجرای قصاص، خود عامل زندگی و امنیت می‌شود و به همین دلیل، «اولی‌الالباب؛ صاحبان خرد» به آن دعوت شده‌اند. بنابراین، اجرای قصاص برای بقای جامعه ضروری است.

ب. قصاص و انتقام؛ مکمل یکدیگر

اشتباه راهبردی آن است که برخی، قصاص را با انتقام خلط کرده یا این را جایگزین آن می‌دانند. قرائن متعدد نشان می‌دهد که قصاص و انتقام، دو واجب موازی و مکمل هستند و هیچ‌کدام دیگری را بی‌نیاز نمی‌کند؛ زیرا:

۱. سیره علوی و حسنی: مگر امام حسن مجتبی علیه السلام که در مقام قصاص، قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی

ابن ملجم مرادی را کشت، گمان می‌کرد که ارزش وجودی امیرالمؤمنین علیه السلام با ابن ملجم برابر است؟ قطعاً نه؛ اما او به عنوان حاکم شرع، حکم الهی قصاص را جاری کرد، نه برای برابری ارزشی؛ بلکه برای برقراری عدالت و بازدارندگی.

۲. بیانات صریح قائد شهید در مورد شهید

سلیمانی رحمته الله: قائد شهید در مورد شهادت سردار

سلیمانی رحمته الله، علاوه بر وعده «انتقام سخت»، به

صراحت فرمودند: «قاتل سلیمانی و آمر به قتل

سلیمانی باید انتقامشان را پس بدهند؛ آن به جای

خودش محفوظ است. اگرچه به گفته یک عزیزی،

کفش پای سلیمانی هم بر سر قاتل او شرف دارد و

سر قاتل او هم برود، فدیۀ کفش سلیمانی هم

نمی‌شود؛ این هست؛ اما بالاخره غلطی کردند،

بایستی انتقام پس بدهند؛ هم آمر، هم قاتل، بدانند

که در هر زمان ممکن، هروقت ممکن شد - ما دنبال

وقت ممکن هستیم - باید انتقامشان را پس
بدهند».^۷

ایشان پس از بمباران پایگاه آمریکایی در عراق نیز
فرمودند که این کافی نیست و علاوه بر انتقام
سخت، همهٔ آمران و مباشران این جنایت باید
مجازات شوند. این یعنی اولاً همهٔ آمران و مباشران
(از ترامپ و نتانیاهو تا آخرین عامل) باید قصاص و
مجازات شوند. ثانیاً این قصاص، با «انتقام
سخت» در لایه‌های کلان (خروج آمریکا و نابودی
رژیم صهیونیستی) هیچ‌گاه قابل جایگزینی نیست.
هر دو واجب‌اند؛ هم قصاص قاتلان و آمران
مستقیم و هم انتقامِ راهبردی در سطح نظام سلطه.

۷. بیانات قائد شهید علیه السلام در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت
حاج قاسم سلیمانی و خانوادهٔ شهید سلیمانی علیه السلام، مورخ: ۱۳۹۹/۹/۲۶.

ج. نسبت قصاص و انتقام؛ دو هدف در یک مسیر
قصاص، اجرای عدالت در حقّ قاتلان مستقیم و
آمران جنایت و وظیفه‌ای الهی بر دوش حاکم شرع
است. انتقام، تحقّق افق‌های راهبردی، مانند خروج
آمریکا و نابودی رژیم صهیونیستی است که خون
شهدا را در سطح کلان، تثبیت و تداوم می‌بخشد.
رهبری حَفِظَهُ می‌فرماید: «تا حدّ کامل آن حاصل
نشود، همچنان این پرونده بر روی بقیه پرونده‌ها
خواهد بود.»^۸ پس انتقام راهبردی باید تا تحقّق افق
نهایی، تداوم یابد و ما در مسیر هر دو گام
برمی‌داریم؛ نه یکی به جای دیگری و نه یکی به نفع
دیگری.

۸. اولین پیام مقام معظم رهبری حَفِظَهُ، اسفند ۱۴۰۴ ش.